

حرف زدن روی کاغذ

اگر می‌توانید حرف بزنید پس حتماً می‌توانید بنویسید

مترجم: فرنوش جزینی



۴

به سرعت و مصمم عمل کنید

گاهی اوقات باید به سرعت و مصمم عمل کرد و چنان مجذوب آن شد که در مدتی نه چندان زیاد، بالاخره آن چیزی روی کاغذ خواهد آمد که باید بیاید و منتظرش بودید و این به گونه‌ای است که پس از آن مشکل می‌توان فهمید که چطور چنین اتفاقی افتاده است.

وینسنت ونگوگ

۷

همیشه‌های

داستان

● خرداد ۱۴۰۲
● دوره جدید ● شماره یک
● ۸ صفحه



۵

تصحیح نوشته بعد از اتمام کامل کار

هرگز تا اتمام کامل کار، دست به تصحیح یا بازنویسی نزنید. بازنویسی بین کار، بهانه‌ای جهت انصراف از ادامه خواهد شد. جان اشتاین بک

۱ مواظب خطرناک‌ترین وضعیت فکری باشید

شما ابداً چیزی «نمی‌نویسید». فقط روی کاغذ «حرف می‌زنید». به جای اینکه به خود بگویید «باید کامل‌ترین کار را انجام دهم، اما نمی‌دانم چگونه؟» بگویید، «روی کاغذ فقط حرف می‌زنم. هر چه بیشتر حرف بزنم شانس بیشتری برای تسلط و بهتر گفتن دارم. بعد می‌توان بازگشت و در آخر آن را تصحیح کرد - ولی بعد از اینکه آن را گفتم!» بیا بید به این شیوه فکر کنیم: آیا وقتی مشغول صحبت با کسی هستید، بعد از ادای چند کلام توقف می‌کنید و می‌گویید: «نه، این نبود؟» البته که نه. شما چنین کاری نمی‌کنید. فقط ادامه می‌دهید. پس چرا سعی نکنید این روش را امتحان کنید؟ سعی کنید بدترین چیزهایی را که ممکن است در وهله اول بگویید، مجسم کنید. مطمئناً وقتی در حال حرف زدن هستید، به دنبال کامل و بی‌عیب حرف زدن نیستید. برعکس، زمانی که به خود می‌گویید «می‌خواهم چیزی بنویسم»، خطرناک‌ترین وضعیت فکری را به وجود می‌آورید؛ این واژه شما را نگران و عصبی کرده و باعث خواهد شد که قبل از نوشتن حتی نخستین کلمه، دست از آن بکشید. وقتی می‌گویید «می‌خواهم راجع به موضوعی حرف بزنم»، طبیعی‌ترین کار ممکن را انجام داده‌اید و کمترین هیجانات و دلوایسی‌ها را با خود همراه کرده‌اید.

۲

۲ طلا جایی در میان‌شن‌هاست!

سال‌ها قبل خیلی پیش‌تر از آنکه حتی درباره نوشتن چنین مطلبی فکر کرده باشم، شخصی در یک مهمانی از من پرسید: «چرا نمی‌توانم بنویسم؟» اصلاً سؤال ساده‌ای نبود، خود من هم به سرعت متوجه شدم جواب آن را نمی‌دانم. عاقبت بعد از پانزده دقیقه حرف‌های بی‌ربط زدن، گفتم: «ببین، اگر توانایی حرف زدن داری، پس حتماً می‌توانی بنویسی.» به کلی گیج شده بودم، تا به آن لحظه چنین کلامی نشنیده بودم، نمی‌دانستم از کجا، آن هم بعد از یک ربع ورور کردن و بیهوده حرف زدن، یکباره چنین حرف جالبی از دهانم خارج شد، پس به سرعت آن را نوشتم! این جمله می‌گفت، اجازه دهید پر قدرت‌ترین درس این کتاب را به شما معرفی کنم: ور...ور...ور...ور... خودشه. به عبارت دیگر هر چه بیشتر روی کاغذ «حرف بزنید» - بدون مکث و تأمل برای قضاوت یا نقد - شانس بیشتری برای انجام یک کار با ارزش دارید. بعد می‌توانید برگردید و آن را اصلاح و ویرایش کنید. شما همانند معدنکاری هستید که به سختی تلاش می‌کند و به طور منظم شن و ماسه‌ها را واری می‌کند تا از میان آنها برق یک ذره کوچک طلا را ببیند. در همین ضمن باید صبور باشید و از رویارویی مکرر با شن‌هایی حوصله‌نشود و فریاد بر نیارید که «باز هم شن؟ دیگر تحمل ندارم». در عوض یاد بگیرید که منتظر شن باشید. خروارها شن، نکته همین جاست، چون طلا جایی در میان‌شن‌هاست!

